

# با بی اهمیت

## ۱ مبحث اهمیت

### ۳ از مجله: حسابداران

### ۲ نوشته: هنری لانت

در حالی که احتمالاً بیشتر حسابداران تصور می کنند که معنی عبارت "با اهمیت" را درک می نمایند، شاید معدودی از آنان بتوانند تعریفی از آن ارائه دهند. حتی برخی چنین اظهار نظر می کنند که تعریف عبارت، ضروری نیست. استدلال آنان این است که یک حسابدار خوب ذاتاً می تواند در زمان برخورد با مطلبی، اهمیت آن را تشخیص دهد.

مشکل استدلال اخیر این است که اهمیت بخشی از دیدگاه سه مراتب وسیع تر "درست و منصفانه" ۴ است که حسابدار در زمان آماده سازی حسابها باید به آن توسل جوید، و "درست و منصفانه" محشی نیست که در طول زمان ثبات داشته باشد. به عنوان مثال، در حال حاضر بحثی در جریان است که آیا صورت حسابهایی که بر اساس ارقام آغاز دوره آماده می شوند، می توانند دیدگاهی درست و منصفانه از وضعیت را به دست دهند.

می توان وضعیت را با کلمه "عدالت" ۵ در حقوق قیاس کرد. در قرن پیش گفته می شد که به دارا و بیختن کسی که یک کشتی را می دزدد، عدالت است، ولی اجرای چنین تنبیهی در قرن حاضر غیر قابل قبول است. همین وضع در مورد عبارت "درست و منصفانه"

۱ - Materiality.

۲ - Henry Lunt; Bcom; MCom; FCA.

۳ - Accountants Record; June 1985.

۴ - True and Fair.

۵ - Justice.

و همین طور درباره‌ی مفهوم " اهمیت " صادق است .

در این مقاله ، تاکید بر اهمیت در چارچوب حسابداری مالی است ، و به ویژه وضع حسابداری در نظر گرفته می شود که می خواهد حسابهای مشتریان خود را آماده کند . حسابداری درباره‌ی موضوع ثبت ، طبقه بندی ، و خلاصه کردن نقل و انتقالات مالی دور میزند ، و فن حسابداری شامل آگاهی از این مطلب می شود که بدانیم چه وقت باید یک نقل و انتقال خاص را ثبت کنیم ، چه وقت باید نقل و انتقالات هر گروه را دسته بندی نماییم ، و چه وقت باید با جمع آوری دسته های مشابه خلاصه کردن نقل و انتقالات بپردازیم .

یک اطلاع ممکن است با اهمیت تشخیص داده شود ، مشروط بر آن که آگاهی از آن احتمالاً بردباری را تغییر دهد ، یا اثر بگذارد ، در زمینه‌ی حسابداری ، ما از تصمیمهایی صحبت می کنیم که استفاده کننده از حساب باید اتخاذ کند ، و اگر داده‌ای در اخذ تصمیم کمک نماید ، در آن صورت با اهمیت است . راه دیگر اظهار مطلب اخیر این است که بگوییم اطلاعی که به دردمی خورد ، باید با اهمیت هم باشد .

اهمیت را می توان به دو گروه تقسیم کرد: اهمیت کمی<sup>۶</sup> و اهمیت کیفی<sup>۷</sup> . در قسمت بعدی این مقاله سعی می شود که دو نوع اهمیت گفته شده در بالا شنا سایی گردد .

با وجود این ، پیش از این کار ، باید توجه داشت که شناسایی اهمیت دو جنبه دارد: یعنی اقلام با اهمیت باید نقل شوند ، و اقلامی که نقل می شوند با اهمیت هستند .

تفسیر این که چه چیز با اهمیت است ، موضوعی است که به قضاوت حرفه‌ای مربوط می شود . حسابداران ، تهیه‌ی صورتی را که بر اساس آن اهمیت یک قلم را می توان سنجید ، برای ابراز عقیده در مورد اهمیت هر قلم مفید خواهند یافت . در زیر چنین چارچوبی تنظیم شده است . این که رقمی با اهمیت است را به ندرت می توان به صورت مجرد

۶ - Materiality with regard to size.

۷ - Materiality with regard to importance.



سنجید: اغلب باید آن را در مقایسه با سایر اقلام حساب در نظر گرفت. باید توجه داشت که در این مرحله تمرکز حواس ما فقط معطوف شناختن اهمیت شده است. در قسمت بعد این نکته را بحث خواهیم کرد که وقتی رقمی با اهمیت محسوب می شود، با آن چه کار باید بکنیم. نتیجه‌ی مشکل اخیر این است که چه گونه آن رقم را به چشم خواننده‌ی حساب بیاوریم: یعنی چه گونه در حسابها منعکس کنیم. اهمیت را می توان در ارتباط با موارد زیر ارزیابی کرد:

### ۱- کل حساب:

در یک واحد کوچک تجاری، به عنوان مثال، ممکن است ۱۰۰ لیره با اهمیت باشد، ولی در یک واحد بزرگ این رقم می تواند تا میزان ۱۰۰۰۰۰ لیره افزایش یابد. در این قالب، گاهی می توان اهمیت را به صورت درصد سنجید، و در این مورد پنج درصد از کل به عنوان با اهمیت پیشنهاد شده است، اما این درصد را باید با دقت مورد استفاده قرار داد.

۲- کل قسمتی که رقم مورد بحث جزئی از آن را تشکیل می دهد: به عنوان مثال در یک واحد کوچک تجاری، هزینه های تحت سرفصل "اجاره و عوارض" اغلب با یک دیگر ترکیب می شود. اگر چه این رقم کلی می تواند کل هزینه استفاده از واحد را به دست دهد، در مواردی درصدی بزرگ از کل رقم را تشکیل می دهد، و در آن حالت باید آن را به صورت جداگانه نقل کرد.

### ۳- اقلام همراه با حسابها:

ممکن است ذخیره‌ی احتیاطی بابت مطالبات مشکوک الوصول به خودی خود درخور توجه نباشد. با وجود این، در جایی که تعداد زیادی بدهکار در ترازنا موجود دارد، رقم مورد بحث کسب اهمیت می کند، و کسی که می خواهد حسابها را آماده سازد باید بهترین راه نقل این ذخیره‌ی احتیاطی را بیابد.

#### ۴- ارقام مشابه سالهای قبل :

یک رقم ممکن است، مثلاً، در حسابهای سال ۱۹۸۵ با اهمیت نباشد، ولی اگر در سال ۱۹۸۴ با اهمیت بوده، ممکن است نقل آن به صورت جداگانه در حسابهای سال ۱۹۸۵ صورت گیرد تا صرفاً اهمیت رقم مشابه در سال ۱۹۸۴ را نشان دهد.

#### ۵- درجه‌ی تقریب در اندازه‌گیری:

در بالا گفته شد که اهمیت با کمیت بستگی دارد. با وجود این، در جایی که اندازه‌ی دقیق یک قلم معلوم نیست، در آن صورت تقریبی بودن کمیت می‌تواند بر اهمیت آن اثر بگذارد. اقلامی که لزوماً به قضاوت فرد بستگی دارند، مانند استیلاک و موجودی، می‌توانند در محدوده‌ای قرار گیرند که یک سر آن با اهمیت و سردیگر آن بی‌اهمیت تلقی می‌شود. اهمیت به احتمال‌ترین ارزشی که حسابدار برای آن رقم در نظرمی‌گیرد، بستگی خواهد داشت.

#### ۶- حجم سود یا زیان :

در حالی که سود (زیان) می‌تواند معیاری مفید باشد که استفاده از آن اهمیت سنجیده شود، هنگامی که سود (زیان) طی دوره‌های متوالی رقم‌هایی کوچک هستند، مشکلاتی می‌تواند بروز کند. هر جا که چنین وضعی پیش آید، بهتر است که متوسط سطح سود (زیان) که شرکت معمولاً به آن دست می‌یابد به عنوان معیار برگزیده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

#### ۷- نقاط حساس :

گزارشهای مالی را نباید به تنهایی مورد تحلیل قرار داد، بسا که لازم است ارقام خلاصه‌ی پنج تا ده سال مدنظر باشد. دلیل این امر شناسایی روندها و استفاده از آنها در پیش‌بینیهای بازاری است. هر زمان که به احتمال زیاد رقمی چنین روندی را برهم می‌زند، در آن صورت اعتباری می‌یابد که ارتباطی به حجم آن ندارد و نقل آن به عنوان یک رقم با اهمیت ضرور می‌شود.

#### ۸- مهم خارج از تناسب :

ممکن است یک رقم کوچک باشد ، ولی اگر تصور می شود که خواننده می پندارد آن رقم به مراتب بزرگ تر است ، آن قلم با اهمیت می شود . به عنوان مثال اگر شرکتی که با مشکلاتی مواجه شده است ، تقریباً به کلی تبلیغات را حذف نماید تا هزینه ها را کاهش دهد ، این قلم کوچک می تواند با اهمیت باشد زیرا می تواند برای آینده ی شرکت مهم تلقی شود .

#### ۹- پایه پایینی و انباشت :

ممکن است حالتی اتفاق بیفتد که در آن دو قلم با اهمیت بسیار مشابهی داشته باشند . در صورتی که این دو قلم پایه پایینی شوند ، نتیجه ، بی اهمیت خواهد شد . مثلاً بهره ی دریافت شده یا بهره ی پرداخت شده چنین وضعی را به وجود می آورد . هر جا که چنین وضعی وجود داشته باشد ، اخذ تصمیم در مورد پایه پایینی کردن ارقام باید با دقت انجام شود . به همین ترتیب ، ممکن است تعداد زیادی ارقام بی اهمیت کوچک وجود داشته باشد که در صورتی که به یک دیگر افزوده شوند ، با اهمیت گردند . به عنوان مثال در یک کارخانه تعداد زیادی ارقام کوچک در سرفصل تعمیرات - تعمیر ماشین آلات ، تعمیر وسایل دفتری ، و تعمیر خودروهای شرکت - ممکن است وجود داشته باشد . ممکن است این ارقام به ترتیب جزو هزینه های متفرقه ، اداری ، و خودروها ثبت شوند ، یا آن که مجموع آنها در سرفصل تعمیرات گنجانیده شود .

زمانی که قلمی با اهمیت تشخیص داده شد ، باید آن را در معرض توجه خواننده قرار داد . چه گونه ی انجام دادن این عمل به درجه ی اهمیت بستگی دارد و حساباً در چند روش مناسب برای نقل آن ارقام دارد .

این روشها را می توان به ترتیب زیر شرح داد :

الف - اقلامی که بر اساس تعریف ارقام غیر عادی ، غیر عادی تشخیص داده نمی شوند ، ولی با توجه به ارقام مشابه سال



گذشته - به دلیل اندازه یا علت بروز آن - استثنایی محسوب می گردند. این اقلام را با ایداستثنایی خواندوبه صورت مجزا در یک دهکاریا بستانکاری برای محاسبه سود، نشان داد. به عنوان مثال، هزینه های حقوقی در نتیجه یک دعوی حقوقی ممکن است استثنایی باشد.

ب - ممکن است رقمی نیاز به ثبت جداگانه در حساب سود و زیان داشته باشد، به عنوان مثال هزینه های حقوقی برای احیای مطالبات مشکوک الوصول در شرکتی که مشکل کنترل اعتبار دارد ممکن است نیاز به نقل جداگانه داشته باشد.

پ - ممکن است قلمی نیاز به نقل جداگانه فقط به صورت جزئی از یک رقم کل داشته باشد. به عنوان مثال، "سایر کارمزدهای حرفه های" ممکن است شامل هزینه های حقوقی، هزینه های نقشه برداری، و پرداختهایی باشد که به حیوان امتیاز فنی می شود.

ت - یک رقم بی اهمیت می تواند جزو اقلام متفرقه ثبت شود، زیرا نقل جداگانه ای آن قلم ضرور شمرده نشده است. به عنوان مثال، مبلغ ناچیزی که احتمالاً به یک وکیل یا بت مشارکت در تنظیم یک سند حقوقی پرداخت شده، در صورتی که هزینه ای حقوقی دیگری وجود نداشته باشد، بی اهمیت خواهد بود.

ث - ممکن است نیازی به نقل یک قلم به عنوان تعدیل سال قبل وجود نداشته باشد. ممکن است زمانی که حسابهای یک سال آماده می شود، اشتباهی در محاسبات سال قبل مشاهده شود. به عنوان مثال در صورتی که مدیر شرکت هزینه ای استفاده ای خصوصی از تلفن و هزینه های خود را تعدیل نکرده باشد، محاسبه سود و زیان صحیح نخواهد بود. این که هزینه ای استفاده ای شخصی را با اید صرفاً از رقم هزینه های تلفن و خودرودر سال جاری کم کرد یا آن که به مانده ای سال قبل نقل کرد، مطلبی است که باید در مورد آن تصمیم گرفت.



ج - گاهی ضرورت دارد که به غیر از نقل ارقام با اهمیت به حساب سود و زیان و ترازنامه، آنها را در یادداشت‌های مربوط به این حسابها نیز نقل کرد. در این مواقع درج اطلاعات در یادداشت برای درک صورت وضعیت مالی ضرور تشخیص داده می‌شود. این یادداشت می‌تواند به رویدادهای بعد از زمان ترازنامه یا به مطالب انتظامی نیز مربوط شود.

### سایر جوانب

سایر مواردی که در جریان آماده‌سازی حسابها و رسیدگی به ارقام با اهمیت پیش می‌آید، به شرح زیر است:

۱- زمانی که حسابها بسته شده اند و اشتباهی کشف می‌شود، مشکل این است که آیا قلم مورد بحث آن قدر با اهمیت است که حسابها اصلاح شوند یا نه.

۲- زمانی که از رابطه‌ای برای آماده‌سازی حسابها استفاده می‌شود، باید این نکته بررسی شود که آیا آن رابطه به اندازه‌ی کافی کامل است که کلیه‌ی جوانب را دربرگیرد. به عنوان مثال، این مورد زمانی پیش می‌آید که شرکتی مقادیری بابت ضمانت ابزارهای فروخته شده بر اساس میزان پرداخت خسارت در سال گذشته ذخیره می‌کند. در این جا مسأله این است که آیا وضعیت گذشته با وضعیت سال جاری مربوط است یا رابطه‌ی بهتری را می‌توان تشکیل داد که در آن تمام عوامل با اهمیت که بر کارهای برگشت داده شده اثر می‌گذارد، در نظر گرفته شده باشد.

در این مقاله، ارقامی که باید بر اساس قانون در حسابهای شرکتی ثبت شوند، در نظر گرفته نشده است. به عنوان مثال، حقوق بازرسان که قانون آن را با اهمیت می‌شمرد و بنا بر این نیازی به بررسی اهمیت آن نیست.

امید است که این مقاله تا حدی برای حسابداران در تهیه‌ی حسابها مفید باشد. طبیعتاً اهمیت تاثیر مسأله به مربوط بودن موضوع به کارخواننده ارتباط دارد.



اگرچه تعیین سهم نظام پاداش در عوامل تقویست‌کننده ی تجارت عملی دشوار است ، ولی به یقین می توان ادعا کرد که این نظام یکی از دلایل عمده ی عملکرد درخشان اقتصادی کشورهای ژاپن ، کره ، و تایوان به حساب می آید (هرچند که به احتمال زیاد هرگز تنها دلیل چنین توفیقی نیست ) . نظام انعطاف پذیر پرداخت در این کشورها به آنها کمک می کند تا دوره های اقتصادی را با اشتغال و تولید به نسبت بالا و با ثبات کامل پشت سر بگذارند . دولت های آنها در راه مقابله با تورم بدون بروز بی کاری راه های بیشتری در پیش پای دارند . نوسان پرداخت واقعی سرانه به نیروی کار در واقع کاهش یافته است و در طول زمان توزیع درآمد ، در مقایسه با سایر کشورهای سرمایه داری ، تقریباً حالتی یکسان را حفظ کرده است . به عقیده ی من ، ما در غرب - به جای آن که مطابق عادتمان به دیگران درس بدهیم - باید آمادگی یادگیری از شرق باشیم . ما باید آگاهان اقتصادهای خود را به جانب این شکل برتر سرمایه داری متمایل سازیم . ما باید قراردادهای اجتماعی جدیدی را بپذیریم که به جمعیت شاغل ما ، اشتغال کامل بدون تورم را وعده دهد ، ولی در مقابل از نیروی کار بخواهد که درصدی قابل ملاحظه از دریافتی خود را به صورت پاداش شراکت در سود بپذیرد .

ممکن است ، پرسیده شود که اگر نظام شراکت در سود در مقایسه با نظام دستمزدها روشی به مراتب بهتر برای اداره ی اقتصادهای متکی به بازار است ، پس چرا تعداد بیشتری از کشورهای آن پیروی نمی کنند ؟ از همه چیز گذشته ، حتی در ژاپن ، کره ، و تایوان فقط اقداماتی محدود (هرچند با اهمیت ) در این جهت صورت گرفته است . سایر کشورهای پیشرفته به طور عمده متکی به نظام دستمزدها هستند . اگر شراکت در سود تا این حد سودمند است ، چرا منافع فردی به صورت خودکار کارگران را به این جهت نمی کشاند ؟

پاسخ ، از وجود عوامل خارج از کنترل ، یا شکست بازار به مقیاس عظیم حکایت دارد . هر شرکت و کارگران آن در زمان گزینش یک قرارداد خاص ، فقط تا شیر آن را به خودشان در نظر می گیرند .



آنها به هیچ وجه توجهی به تاثیر قرارداد دبرسایر قسمتهای اقتصاد ندارند. زمانی که یک شرکت و کارگران آن قرارداد کاری را که متکی به جزء پر قدرت شراکت در سود است برمی گزینند، به ایجاد اشتغال کامل بدون به وجود آمدن تورم کمک می کنند، زیرا در این صورت شرکت برای اشتغال کارگران دیگر، و گسترش تولید از طریق لغزیدن بر روی تابع تقاضا به کمک پایین آوردن قیمت، تمایل بیشتری از خود نشان می دهد. اما این مزایا که برای افراد خارج از شرکت وجود دارد، کاملاً به دست اندر کاران شرکت که تصمیم گیرنده هستند، نفع نمی رساند. نظام شراکت در سود مانند هوای سالم و پاک است که به تمام جامعه نفع می رساند. شرکت متکی به نظام دستمزد و کارگران آن برای آلوده نکردن محیط، از طریق تبدیل نظام دستمزد به شراکت در سود، به اندازه ی کافی انگیزه ندارند. جنبه ی کالای عام المنفعه داشتن در این است که شرکت و کارگران با انتخاب نوع قرارداد، تاثیر اشتغال را بر بازار کار به طور کلی، و تاثیر هزینه های ناشی از قرارداد را بر تقاضای کل در نظر نمی گیرند. عوامل خارج از کنترل یک بازار کار سبک، تحت تاثیر مثبت قرارداد شراکت در سود و تاثیر منفی قرارداد دستمزد قرار می گیرد، ولی تفاوت بین این دو اثر انکار شدنی نیست. در چنین اوضاعی احتمال نمی رود که جامعه بتواند سازماندهی مطلوب داشته باشد، و برای کشاندن شرکتها و کارگران به جانب شراکت در سود نیز اقداماتی در سراسر جامعه باید عمل آید.

این اقدامات به سادگی تحقق نخواهد یافت. ترغیب کارگران و شرکتها به تغییر بنیادی نظام پرداخت به نیروی کار، آن هم به نام منافع عمومی، به رهبری سیاسی بسیار و الا نیازمند است. احتمالاً باید انگیزه های مادی هم وجود داشته باشد. مثل تسهیلات مالیاتی برای جزء شراکت در سود در دستمزد نیروی کار. با وجود این، مزایای اشتغال کامل بدون تورم آن قدرهنگفت و افزایش درآمد آن قدر زیاد است که نمی توان شرکت نکردن در این جهت را تحمل کرد.